



3 ویژگی ماندگار شدن فرهنگ / ساخت «مدینه منظمه» در حال حاضر ناممکن است

دبیر کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی می‌گوید: فرهنگ امروز ما ترکیبی از فرهنگ اسلامی، ایرانی و غربی است، باید آن را پالایش کرد تا امکان ایفای نقش همگان وجود داشته باشد؛ با ازدیاد دستگاه‌های اداری و حکومتی، نقش مردم کم‌رنگ می‌شود.

دبیر کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی می‌گوید: فرهنگ امروز ما ترکیبی از فرهنگ اسلامی، ایرانی و غربی است، باید آن را پالایش کرد تا امکان ایفای نقش همگان وجود داشته باشد؛ با ازدیاد دستگاه‌های اداری و حکومتی، نقش مردم کم‌رنگ می‌شود.

خبرگزاری فارس - سمیه نبی، محمد حسین کلهر: «#فرهنگ» اساس یک جامعه و هویت آن را تشکیل می‌دهد، بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد و یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه که جزو فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است برخاسته از همان عقاید است.

با توجه به جایگاه و اهمیت فرهنگ و نقش آن در پیشرفت جامعه و تضمین امنیت روانی یک ملت برابر تهاجم بیگانگان، با «#مهدی ناظمی اردکانی» دبیر کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت‌وگو کردیم. وی متولد سال 1332 است و بخش عمده فعالیت‌ها و مطالعاتش در شورای عالی انقلاب فرهنگی به مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی اختصاص دارد. کتاب‌هایی همچون «#مبانی و چگونگی ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور و تحلیلی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در مهندسی فرهنگی از جمله مهمترین آثار این فعال فرهنگی به شمار می‌رود.

ناظمی اردکانی معتقد است: انسان‌ها نیازهای متعالی از جمله؛ نیاز به احترام، نیاز اجتماعی، نیاز به منزلت و کرامت دارند که باید در یک محیط زیست انسانی و در یک فرهنگ متعالی فراهم شود، اگر فرهنگی ضعیف باشد این نیازها به صورت غیر جامع و غیر متعادل تأمین می‌شود اگر در یک فرهنگ، بر نیازهای مادی تأکید و سایر نیازها مغفول واقع شد دیگر با آن فرهنگ نمی‌شود زندگی کرد و انسان‌ها پس از مدتی قابلیت زیست خود را از دست می‌دهند و مصداق بارز این فرهنگ، «#فرهنگ غرب» است.

گفت‌وگوی ما با ناظمی اردکانی را در ادامه می‌خوانید:

فارس: ابتدا ضمن تعریفی از فرهنگ، ویژگی‌های آن را بیان کنید؟

ناظمی اردکانی: همان طور که می‌دانید تعاریف زیادی برای واژه فرهنگ شده و از ابعاد مختلف، مقوله فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته شده است. علت اینکه تعاریف بسیاری برای فرهنگ وجود دارد پیچیدگی آن است بدین معنا که چندین و چند بعدی بودن فرهنگ باعث می‌شود تعاریف زیادی هم پیدا کند در حالی که اگر یک پدیده‌ای بسیط باشد می‌توان تعریف روشن و مشخصی از آن داشت و مفهوم آن را به دیگران منتقل کرد.

وجود تعاریف متعدد از فرهنگ، یک ویژگی بارزی از آن را به ما نشان می‌دهد و آن ویژگی پیچیدگی و پویایی. وقتی پدیده‌ها علاوه بر پیچیده بودن یعنی تعریف پدیده‌ای که تعداد مؤلفه‌ها و اجزای آن زیاد بوده و مرتب در حال تحول و تغییر باشد امری مشکل است و نمی‌توان آن را در یک فراز به خوبی تعریف کرد.

اگر بخواهیم مفهوم فرهنگ و ماهیت آن را بیان کنیم باید از استعاره‌ها بهره بگیریم. اگر بخواهیم ماهیت فرهنگ را مشخص کنیم می‌توان گفت: «#فرهنگ» محیط زیست نافیزیکی خاص انسان است؛ ما یک محیط زیست طبیعی داریم که حیوان، گیاه و انسان در آن زندگی می‌کند و این همان عالم تکوین و طبیعت ماست و ما در این محیط، محاط هستیم یعنی هوای تهران بر ما

محیط است از این رو فرهنگ هم بر ما محیط نافیزیکی است.

اگر بخواهیم ویژگی‌ها فرهنگ را بگوییم باید سراغ خصوصیات محیط زیست طبیعی برویم.

فرهنگ‌هایی که ادعای جهانی شدن دارند باید از سه ویژگی «پیچیدگی و پویایی»، «تاریخی بودن» و «تأثیر گذاری و تأثیر پذیری» برخوردار بوده و اجزای آن انسجام داشته باشد وگرنه قابلیت جهانی شدن را ندارند

فارس: آیا خصوصیات محیط زیست طبیعی بر محیط زیست نافیزیکی انطباق دارد یا خیر؟

ناظمی اردکانی: بله، خصوصیات این دو محیط بر یکدیگر صدق می‌کند. نخست آنکه محیط زیست طبیعی ما یک پدیده تاریخی است. نمی‌دانیم چه زمانی شکل گرفته و فرهنگ هم همین طور است دوم اینکه محیط زیست طبیعی، تأثیر می‌گذارد و تأثیر هم می‌پذیرد. فرهنگ هم این خصوصیت را دارد. در محیط زیست طبیعی هر دم و بازدم هر یک از پدیده‌های زنده بر محیط زیست اثر می‌گذارد و فرقی نمی‌کند این دم و بازدم متعلق به کدام یک از پدیده‌های حیات‌مند از جمله انسان، حیوان و یا گیاه باشد یعنی یک انسانی که در یک کره و در یک کشور دیگری زندگی می‌کند دم و بازدم او بر دم و بازدم من نیز اثر خواهد گذاشت اما این اثر آنقدر نامحسوس است که اصلاً لحاظ نمی‌شود ولی اگر دقت کنیم مشاهده می‌کنیم که موثر است.

وقتی آتشفشان عظیمی در کشوری اتفاق می‌افتد بر محیط زیست کل عالم اثر می‌گذارد اقداماتی که منابع گوناگون در کشورهای مختلف انجام می‌دهند مثلاً آنجایی که گازهای آلوده کننده هوا موجب نازک شدن لایه ازن می‌شوند بر محیط زیست تمام انسان‌های جهان اثر می‌گذارد. بنابراین در حوزه فرهنگ نیز همین گونه است و تنها تفاوت آن با محیط زیست طبیعی آن است که در این محیط انسان موضوعیت دارد و حیوان و گیاه موضوعیت ندارند لذا تک تک انسان‌ها بر این فرهنگ اثر می‌گذارند و اثر هم می‌پذیرند و این یک ویژگی مهم و جدی است از این رو سه ویژگی جدی می‌توان برای فرهنگ ذکر کرد؛ پیچیدگی و پویایی، تاریخی بودن و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری آن که البته این سه ویژگی، یکدیگر را در برمی‌گیرند.

فارس: وقتی می‌گوییم فرهنگ یک پدیده تاریخی است، آیا به معنی این است که فرهنگ در درون تاریخ محاط است؟ نسبت فرهنگ و تاریخ و نسبت فرهنگ و تمدن به چه صورتی است؟

ناظمی اردکانی: اولین ویژگی فرهنگ مبنی بر محیط بودن؛ محیط، دیگر محاط نیست ممکن است در خصوص طبیعت‌ها این طور بگوییم که این عالم نسبت به عوالم دیگر محیط است این بحث دیگری است. عالم ما که محدود به عالم طبیعت نیست بلکه عوالم دیگری نیز وجود دارد.

بله این عالم طبیعت که محیط بر ماست محاط در عالم‌های دیگر است بنابراین سؤال شما در جای خودش صحیح است ما یک محیط مطلق داریم که آن ذات اقدس الهی است و هر عالم دیگری را که متصور شویم محاط در اوست چرا که عقیده توحیدی ما این طور است اما اگر بخواهیم در سطح پایین‌تری، فرهنگ را تعریف کنیم از استعاره محیط زیست طبیعی بهره می‌بریم.

فرهنگ بما هو فرهنگ، موجودیت خارجی پیدا نمی‌کند بلکه فرهنگ در سطوح و انواع مختلف ظهور و بروز پیدا می‌کند. صرف اینکه یک تمدنی قدمت داشته باشد نمی‌تواند دلیلی بر انسجام و پایداری آن باشد مگر اینکه همان آثار تمدنی، اکنون هم بتواند مجموعه نیازهای انسان را برطرف کند

حالت ساده رابطه فرهنگ و تمدن این است که تمدن بخشی از فرهنگ است که به یک محصول و مصنوع تبدیل شده است بدین معنا که بخش دیدنی فرهنگ، تمدن نامیده می‌شود. در اصطلاح وقتی یک بنای عظیم به عنوان اثری تمدنی ذکر می‌شود این بنای

تمدنی از یک فرهنگ نمایندگی می‌کند و نماینده مفروضات، ارزش‌ها و مفاهیمی است وقتی می‌گوییم فرهنگ پدیده تاریخی است تمدن نیز پدیده‌ای تاریخی می‌شود یعنی انسان‌ها بر اساس مفاهیم و ارزش‌هایی که داشته‌اند یک محصولاتی را تولید و نیازهای خود را با آن برطرف کرده‌اند بنابر این تمدن‌های هر عصر و هر تمدنی در هر عصر، با یک فرهنگ، مرتبط هستند. اگر در اینجا نیز از استعاره «کوه یخ» بهره بگیریم تمدن بخش بیرونی آن کوه یخ بوده و بخش اعظم آن در درون آب است که لایه‌های اصلی فرهنگ از جمله مبانی، مفروضات، عقاید، باورها و ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد.

ممکن است زمانی در حوزه تمدن، برخی از آداب را به عنوان اثر تمدنی ذکر کنند که فقط با چشم سر دیده می‌شود آداب در همان الگوی حرکت و رفتار ماست و رفتارها بر اساس آن شکل می‌گیرند بنابراین رابطه فرهنگ و تمدن از نظر ویژگی‌ها به یک شکل است؛ تمدن‌ها نیز تاثیر گذاشته و تاثیر می‌پذیرند چرا که همزاد فرهنگ هستند و تمدن نیز زائیده فرهنگ است به همین دلیل در هر عصری شاهد یک تمدن خاصی هستیم.

فارس: به نظر شما اگر تمدن معیار سنجش فرهنگ باشد آیا می‌توان گفت چون ما تمدنی 7 هزار ساله داریم و آمریکا تمدنی 400 ساله پس فرهنگ ما عمیق‌تر است؟

ناظمی اردکانی: تمدن‌ها ساخته فرهنگ‌ها هستند لذا هر تمدنی غنی‌تر و منسجم‌تر باشد ساخته یک فرهنگ غنی‌تری خواهد بود. بعد از تعریف خود فرهنگ، نوبت به نوع‌شناسی فرهنگ می‌رسد. فرهنگ بما هو فرهنگ، موجودیت خارجی پیدا نمی‌کند بلکه فرهنگ در سطوح و انواع مختلف ظهور و بروز پیدا می‌کند.

مثلا گیاه: گیاه بما هو گیاه، موجودیت ندارد چراکه چیزی را نمی‌توان پیدا کرد که بگوییم گیاه است بلکه گیاه در انواع مختلف یافت می‌شود یک گیاه در حد یک علف و یک گیاه در حد گل، و یک گیاه نیز در انواع و اقسام مختلف، در مناطق گوناگون وجود دارد و همین مقوله در بحث فرهنگ هم هست. یکبار مشابه همان بحث گیاه، اینکه تمام فرهنگ‌ها یک ریشه‌هایی دارند یعنی بخشی پایه‌ای و زیربنایی دارند که بدیهیات، مبانی و مفروضات، مفاهیم نام دارد همچنین لایه بیرونی آن که ارزش‌ها، بایدها و نبایدها را در بر می‌گیرد در تمام فرهنگ‌ها دیده می‌شود.

اگر اجزای یک تمدن از انسجام کامل برخوردار باشد این تمدن پایدار خواهد ماند البته تمدن‌های بسیاری آمده و رفته‌اند و اثری از آنها وجود ندارد و شاید تنها در منابع تاریخی بتوان آنها را یافت. علت آن این است که اجزای داخل این تمدن، مجموع دست‌ساخته‌ها محصولات و مصنوعات آن از انسجام لازم برخوردار نبوده‌اند و از این رو زائل شده‌اند. بنابراین صرف اینکه یک تمدنی قدمت داشته باشد نمی‌تواند دلیلی بر انسجام و پایداری آن باشد مگر اینکه همان آثار تمدنی، اکنون هم بتواند مجموعه نیازهای انسان را برطرف کند.

تمدن‌ها مجموعه‌ای از دست‌ساخته‌هایی هستند که همه نیازهای انسان را برطرف می‌کنند از این رو تمدن‌هایی که نیازهای انسان‌ها را به طور جامع و متعادل مرتفع کنند پایدار مانده، بازتولید شده و انسان‌ها نیز به سمت آن می‌روند.

امروز در جهان، غذای حلال جایگاه خوبی یافته است غذای حلال بخشی از تمدن اسلامی است لذا در غرب می‌بینیم شهروندی که مسلمان هم نیست تشخیص می‌دهد که فروشگاه‌های که غذای حلال دارد نیاز او بهتر برطرف می‌کند و او غذای حلال تهیه می‌کند. این مسئله نشان می‌دهد که این بخش از تمدن اسلامی، امروز پاسخگوی بخشی از نیاز مردم است. اما لازم است که تمدن اسلامی نیازهای انسان‌ها را به صورت جامع و متعادل تامین کند.

امروزه تمدن اسلامی به دلیل ضعف صاحبان خود، نتوانسته غالب بودن خود را نشان دهد چه بسا بخشی از این آثار تمدنی، تغییر شکل داده، ناقص شده و یا به تمدن غرب تبدیل شده است و این طور نیست که آثار تمدنی غرب، از تمدن اسلامی تاثیر نپذیرفته باشد. بسیاری از آثار تمدنی غرب، ریشه در آثار تمدنی اسلام دارد. بنابراین اگر عناصر و اجزای یک تمدن منسجم بوده و یک کل واحد منظمی را تشکیل داده، نیازهای انسان را به طور جامع و متعادل تامین کند پایدار می‌ماند و در واقع این تمدن، زاینده یک فرهنگی است که آن فرهنگ نیز یک فرهنگ منسجم و غنی‌ای است لذا اگر فرهنگ اسلامی، چنین ویژگی داشت و آثار تمدنی آن غالب شد این فرهنگ، فرهنگ منسجم و غنی است و به دیگر معنا «فرهنگ مهندسی» شده است و بر سایر فرهنگ‌ها غالب خواهد شد.

فرهنگ‌هایی که ادعای جهانی شدن را دارند باید این ویژگی را داشته باشند و اجزای آن از انسجام برخوردار باشد وگرنه قابلیت جهانی شدن را ندارند. امروز شواهدی را مبنی بر قابلیت جهانی شدن فرهنگ غرب، ذکر می‌کنند وقتی سؤال می‌شود چرا دلایل ضعیفی مطرح می‌کنند یکی از این دلایل آن است که مثلاً غذای «کنتاکی» قابلیت جهانی شدن پیدا کرده است چرا که توانسته با مذاق تمام کشورها سازگار شود، لذا این غذا زاینده فرهنگ (غرب) است.

غرب معتقد است که تمام انسان‌ها می‌توانند بر اساس دیدگاه آنها یک زندگی خوبی داشته باشند؛ ما هم که به سادگی نمی‌توانیم این موضوع را بپذیریم که مثلاً این غذا، لباس و الگوی رفتاری را تمام انسان‌ها بپذیرند و نیازهایشان به صورت جامع و متعادل تأمین شود چه بسا در آینده، فرهنگ دیگری با محصولات و مصنوعات بهتر و به‌روزتر بر جهان غالب شود و ادعای ما در بحث تمدن اسلامی این‌گونه است.

فرهنگ غرب، بخشی از نیازهای انسان را به طور غیر متعادل تأمین می‌کند در صورتی که ما به فرهنگی نیاز داریم که خواسته‌های ما را بدون افراط و تفریط تأمین کند. اگر فرهنگی، شهوت نامتناهی برای انسان به وجود آورد بعد از زمانی حتماً انسان‌ها به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند

فارس: به نظر شما چه اتفاقی باعث تغییر الگوها و رفتارهای جامعه کنونی ما شده است؟ آیا در حال حاضر تمدن اسلامی، از دو ویژگی جامع و متعادل بودن، برخوردار نیست؟

ناظمی اردکانی: قدری از استعاره بیشتر بهره می‌برم. محیط زیست طبیعی، ویژگی‌هایی دارد که می‌توان آنها را بر محیط زیست انسانی (نافیزیکی) بار کنیم. این روزها بحث آلودگی هوا مطرح است و می‌گویند نمی‌شود در تهران زندگی کرد و بهتر است تا جایی که می‌شود افراد به بیرون شهر تهران بروند، محیط زیست انسانی و فرهنگی هم این ویژگی را دارد؛ برخی اوقات، آلاینده‌ها این محیط زیست را برای زندگی نامساعد می‌کنند. این آلاینده‌ها در کجا قرار دارند؟!

در محیط زیست طبیعی، یکسری صنایع و خودروها هستند که هوا را آلوده می‌کنند اما ایجاد فضای سبز، جریان هوا و وجود درختان باعث پالایش این فضا می‌شود اما زمانی که آلاینده‌ها بر جریان هوا غالب شدند فضا غیر قابل زیست می‌شود. محیط زیست فرهنگی و انسانی نیز همین طور است آلاینده‌های آن در کجا قرار دارند؟ اصولاً این آلاینده‌ها مرز جغرافیایی نمی‌شناسند البته در محیط زیست طبیعی هم اوضاع به همین منوال است. هواشناسی می‌گوید: ریزگردها از عراق وارد کشور شد مگر می‌توان دیوار کشید و از ورود این ریزگردها جلوگیری کرد کاری که می‌توان انجام داد این است که در محیط کشور خودمان، بهبود سازنده‌ها یعنی فضای سبز را افزایش دهیم چرا که نمی‌توان آلاینده‌های بیرونی را کنترل کرد از این رو باید فضای داخلی، تقویت شود تا آلودگی‌ها از بین ببرد اگر این کار انجام نشود وجه آلودگی غالب می‌شود و فرهنگ، قابلیت زیست پیدا نمی‌کند.

با توجه به اینکه انسان‌ها هم تأثیر می‌گذارند و هم تأثیر می‌پذیرند ما به دنبال این هستیم که بر محیط زیست خویش تأثیر گذاشته و آن را مستعد زیست کنیم یعنی نیازها را به صورت جامع و متعادل تأمین کنیم و این نکته بسیار مهم است.

انسان‌ها نیازهای متعالی‌ای دارند از جمله: نیاز احترام، نیاز اجتماعی، نیاز منزلت، نیاز کرامت و ... که باید در یک محیط زیست انسانی و در یک فرهنگ متعالی رخ دهد؛ اگر فرهنگی ضعیف باشد این نیازها به صورت غیر جامع و غیر متعادل تأمین می‌شود اگر در یک فرهنگ، بر نیازهای مادی تأکید و سایر نیازها مغفول واقع شد دیگر در آن فرهنگ نمی‌شود زندگی کرد و انسان‌ها پس از مدتی قابلیت زیست خود را از دست می‌دهند و مصداق بارز این فرهنگ، «فرهنگ غرب است.

فرهنگ غرب، بخشی از نیازهای انسان را غیر متعادل تأمین می‌کند در صورتی که ما به فرهنگی نیاز داریم که خواسته‌های ما را بدون افراط و تفریط تأمین کند. انسان تا یک حدی نیاز مادی دارد و اگر فرهنگی، شهوت نامتناهی برای انسان به وجود آورد بعد از زمانی حتماً انسان‌ها به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند.

جامعه امروزی ما به لحاظ فرهنگی، در هوای آلوده‌ای زیست می‌کند که همگی آرزوی هوایی پاک و زلال را داریم؛ عناصر سازنده هوا که باید انسان‌ها را کاملاً شاداب و مستعد تلاش نگه دارد اما متأسفانه هوای فرهنگی ما این‌گونه نیست و ما نمی‌توانیم به درستی حرکت و اقدام کنیم.

فرهنگ امروز ما ترکیبی از فرهنگ اسلامی، ایرانی و غربی است باید آن را پالایش کرد تا به سمت فرهنگ مناسب گام برداریم در حالی که فرهنگ غالب امروز ما با فرهنگ مطلوب فاصله بسیاری دارد

فرهنگ ما ساخته شده و ترکیبی از سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است و بحث‌های زیادی در این زمینه وجود دارد که آیا فرهنگ ما ایرانی - اسلامی، اسلامی - ایرانی است و معمولاً از به کار بردن لفظ غربی برای آن خودداری می‌کنیم. هر کدام از این ترکیب‌ها نقاط قوت و ضعفی را دارند.

حضرت امام(ره) معتقد است: غرب در تلاش نیست که مؤلفه‌های مثبت فرهنگ خویش را در اختیار ما قرار دهد بلکه همواره تلاش می‌کند موارد منفی را به ما انتقال دهد اگر به این فرمایش حضرت امام(ره) توجه کنیم در می‌یابیم که همیشه مؤلفه‌های منفی فرهنگ غرب به ما رسیده است.

فرهنگ ایرانی نیز دارای مؤلفه‌های منفی و مثبت است و فرهنگ دینی ما تلاش می‌کند تا همواره مؤلفه‌های مثبت فرهنگ ایران را اسلامی کرده و در درون خویش قرار دهد و این موضوع در طول تاریخ گذشته ما محقق شده است. می‌دانیم فرهنگ امروز ما ترکیبی از فرهنگ اسلامی، ایرانی و غربی است اما باید همیشه آن را پالایش کرد تا به سمت فرهنگ مستعد و مناسب گام برداریم و در نتیجه در آن فرهنگ، آثار تمدنی را داشته باشیم که نیازهای ما را جامع و متعادل برطرف کند. امروز نیازهای ما در این فرهنگ به صورت جامع و متعادل تامین نمی‌شود.

بنابراین ما امروز یک فرهنگ غالب و معمول داریم که با فرهنگ مطلوب فاصله دارد. فرهنگ مطلوب، چیزی است که در کتاب‌ها نوشته، در بیان‌ها مطرح می‌کنیم و مشخص نیست این فرهنگ تا چه اندازه بر فرهنگ اسلامی منطبق باشد. از این رو سه وضعیت می‌توان برای فرهنگ در نظر گرفت؛ یک فرهنگ معمول، همانند محیط زیست که اکنون در آن قرار داریم که باید مشکلات آن برطرف شود ممکن است برای بهبودی هوای آلوده تهران، کلاً در آن تحول ایجاد کنیم.

یکی از راهکارها این است که الگوهای تمدن اسلامی را دنبال کنیم در این تمدن، دیگر شهری به شکل تهران، مورد پذیرش نیست.

فارس: از چه لحاظ؟ شهرهای اسلامی چه ویژگی‌هایی دارند؟

ناظمی اردکانی: شهرهای اسلامی ویژگی‌هایی دارند، از جمله اینکه شهر اسلامی هنجارپذیر است یعنی افرادی که در یک شهر به عنوان مدینه زندگی می‌کنند هنجارهای مشترک دارند اگر شهر و مجموعه‌ای را داشتید که هنجارپذیر نبود نشان می‌دهد آن شهر غیر اسلامی است جامعه‌شناسان معتقدند کلان شهرها هنجارگریز هستند اما شهرهای اسلامی منظم هستند. در نگاه اسلامی، باید مدنیت در شهرها حاکم شود. مدنیتی که در نگاه اسلامی، مدینه از آن بیرون می‌آید و تمدن اسلامی در این جا خودش را نشان می‌دهد و شهر اسلامی را به وجود می‌آورد.

وقتی می‌خواهیم جامعه مدنی را منظم کنیم ابتدا باید دارای رهبر و امام باشد. خداوند متعال وقتی می‌خواهد جامعه اسلامی را منظم کند و امت اسلامی را محور قرار دهد برای آن محوری همانند کعبه قرار می‌دهد که همگان وظیفه دارند به سوی او سجده کنند سپس برای ادامه جامعه فردی را به عنوان رهبر مشخص می‌کند.

شهر اسلامی می‌گوید هر محل شما باید مسجدی را در محوریت محله داشته باشد و تمام خانه‌های مردم محل به سمت قبله ساخته شود ترسیم این قواعد، جلوه دیگری از شهر را برای ما نمایان خواهد کرد و با رعایت این امور می‌توان آثار تمدن اسلامی که از جمله نیازهای انسانی است را به صورت معتدل تامین کرد.

همچنین از دیگر ویژگی‌های شهر اسلامی آن است، که تمام خدمات و نیازهای مردم محل، حول محور مسجد مرتفع شود در این صورت، دیگر بخش زیادی از وقت مردم بیهوده هدر نمی‌شود از این رو باید در شهر اسلامی مسجدی که پیغمبر توصیف کرده باید شکل بگیرد.

فارس: تعریف شما از هنجار چیست؟

ناظمی اردکانی: #171& «هنجار» عادات و الگوهای رفتاری پذیرفته شده است به طور مثال وقتی در محله و یا روستایی وارد می‌شویم هر یک از یک آنها الگوی رفتاری پذیرفته شده‌ای دارند که هر کس از آن تخطی کند، می‌گویند او هنجار را نپذیرفته است اما شهرها هنجار گریزند و اگر کسی رفتار، آداب و یا عاداتی را زیر پا گذاشت کسی کاری با او ندارد.

ممکن است بعضی از هنجارها کاملاً بر ارزش‌ها منطبق نباشند همچنین ممکن است هنجاری ارزش و یا ضد ارزش باشد. در واقع واژه #171& «ارزش» در مقوله فرهنگ، باید و نبایدها و در دین مبین اسلام، حلال و حرام‌ها است بنابراین #171& «هنجار» یک طیف وسیع‌تری از نبایدها و نبایدها را در بر می‌گیرد جزئی از هنجارها همان باید و نبایدهاست اما جزءهای دیگری، در منطقة الفراق دین‌هاست بدین معنا که برخی از هنجارها در دین اسلام وجود ندارد از این رو اگر کسی هم آن را انجام دهد مرتکب منکری هم نشده است.

هر چه دستگاه‌های اداری و حکومتی را زیاد می‌کنیم معنای دیگر آن این است که نقش مردم کم‌رنگ می‌شود؛ طراحی و مهندسی ما باید به گونه‌ای باشد تا همه مردم بتوانند در نقش خود، به خوبی انجام وظیفه کنند و نخواهیم که عامل بیرونی در نظم‌دهی آنها مؤثر باشد

فارس: فرهنگ و تمدن چه رابطه‌ای با هم دارند؟

ناظمی اردکانی: اگر فرهنگ موجودمان و مسجد را به عنوان یک اثر تمدنی در نظر بگیریم و وضعیت کنونی مسجد را با مسجد پیامبر (ص) مقایسه کنیم فاصله زیادی داریم ما تلاش می‌کنیم فرهنگ را به سمت مطلوب پیش ببریم و به تناسب آن نیز مسجد را باید به وضعیت مطلوب برسانیم اما اینکه کدامیک مقدم و مؤخر است معنا ندارد؛ بلکه آنها لازم و ملزوم هم‌اند و یعنی اگر اندکی فرهنگ را اصلاح کردیم و در مبانی و مفروضات آن تغییر ایجاد شد و متوجه شدیم که مسجد کنونی با مسجدی که حضرت رسول (ص) در آن کارهای قضایی، تربیتی، آموزشی و ... را انجام می‌داد تفاوت دارد ما فقط اقامه نماز را در مسجد انجام می‌دهیم لازم است مابقی امور را نیز به درون مساجد بازگردانیم.

زمانی فرهنگ اسلامی ایرانی ما این طور بود که لباس جندی پوشیدن مکروه بود اما می‌بینیم که زمان دفاع مقدس، چه اتفاقی افتاد لباس جندی پوشیدن یک ارزش تلقی می‌شود. بسیجی بودن مقدس بود و همین بسیجی‌ها به کنار مساجد آمدند و حوزه‌های مقاومت را تشکیل دادند و اکثریت باور کردیم که این حرکت درست است و این همان کاری بود که پیامبر (ص) انجام می‌داد.

حضرت رسول (ص) وقتی می‌خواست به جهاد برود نیروهایش را از همین مساجد سامان می‌داد و بسیاری از سردارانش در آنجا آموزش دیده و تجهیز می‌شدند و همراه پیامبر (ص) می‌رفتند.

امروز ما مدلی از غرب به نام #171& «پزشک خانواده» گرفته‌ایم که کار خوبی است در این طرح، هر دو هزار نفر یک پزشک دارند که مرتب سلامت آنها را چک می‌کند و از بروز هزینه گزاف در آینده جلوگیری می‌کنند.

اگر بگوییم در کنار همین پزشک خانواده، باید از نظر اخلاق، دین و فرهنگ نیز برای هر 2000-2500 نفر یک پزشک داشته باشند پزشک اخلاقی و معنوی آنها چه کسی باید باشد قاعداً وقتی در پزشک جسمی خانواده می‌گوییم که باید تحصیل کرده دانشکده پزشکی باشد تا پزشک عمومی و خانواده شود این پزشک هم باید درس خوانده دین و فرهنگ باشد تا بتواند پزشک فرهنگ خانواده باشد و البته یک فرد روحانی می‌تواند این مسئولیت را بر عهده بگیرد.

یک روحانی اسلام شناسی که فرهنگ اسلامی را بشناسد و همان طور که پزشک خانواده مرتب پرونده این 2 هزار نفر، را چک می‌کند که فشار خون آنها بالا نرود بچه‌ها به تنبلی چشم دچار نشوند، روحانی خانواده نیز باید چنین کاری را انجام دهد و هر 2 هزار نفر را تحت پوشش داشته باشد.

اگر در ابتدای عملیاتی شدن پزشک خانواده می‌گفتند که پزشک خانواده در کنار مساجد باشد به نظرم موفقیت بیشتری در این زمینه حاصل می‌شد؛ منتها مسجد باید منشاء خدمات بیشتری باشد تا سایر افراد آن را بپذیرند

اما درباره اینکه مطب پزشک خانواده کجا قرار داشته باشد، باید گفت که در شهر اسلامی، پزشک باید در کنار مسجد باشد و روحانی و پزشک هر دو در کنار هم فعالیت کنند که یکی فرهنگ، اخلاق و معنویت و مسائل روحی را دنبال کند و دیگری بهداشت و درمان را برعهده داشته باشد. در این زمان است که خواهیم دید اتفاقات دیگری در کشور خواهد افتاد و دیگر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی شاهد حجم بالای بیماران نخواهد بود و از هزینه‌های اضافی جلوگیری خواهد شد. همان طور که پزشک خانواده وظیفه دارد، صبح تا بعد از ظهر سراغ تک تک افراد برود و آنها را ویزیت کند روحانی خانواده نیز باید همین طور باشد.

تمدن اسلامی براساس فرهنگ، چنین اموری را شکل می‌دهد. ممکن است در تمدن اسلامی، دستگاه‌های اداری و وزارت خانه‌های عریض و طویل وجود نداشته باشد که در این صورت سهم و نقش مردم بیشتر می‌شود؛ البته هر چه دستگاه‌های اداری و حکومتی را زیاد می‌کنیم معنای دیگر آن این است که نقش مردم کمرنگ می‌شود مدنیت با نظم کلی، عناصر اصلی آن درونی هستند و بیرونی، لذا طراحی و مهندسی ما باید درست باشد تا همه مردم بتوانند در نقش خود، به خوبی انجام وظیفه کنند و نخواهیم که عامل بیرونی در نظم دهی آنها موثر باشد.

به طور مثال درباره فردی که مسلمان و مؤمن است خداوند می‌فرماید: باید رو به قبله نماز بخواند آیا کسی او را کنترل می‌کند که نمازش را رو به قبله خوانده یا نه، بلکه او خودش تلاش می‌کند به سمت قبله نماز بخواند.

این الگو نماد روشن و مشخصی برای ما است و ما باید همین نماد و الگو را در همه سطوح پیاده کنیم. دو کار لازم است، یک حوزه آن مهندسی است که لازم است طراحی‌های مناسب داشته باشیم و دوم در حوزه مدیریتی است و اینکه باید قانون مناسبی هم داشته باشیم و درواقع حوزه مهندسی و مدیریتی باید به گونه ای باشد که بر اساس مفاهیم و ارزش‌هایی که داریم شکل بگیرد.

فارس: به نظر شما در این صورت آیا مدنیت، کمرنگ نمی‌شود؟ در عملیاتی کردن پزشک خانواده و روحانی خانواده مهم این است که مردم آن را پذیرفته و اقبال نشان دهند و از آنجا که مدرنیته تأثیر بسیاری بر جامعه ما گذاشته است شاید عده‌ای از پذیرفتن روحانی خانواده امتناع کنند و آن را نپذیرند؟

ناظمی اردکانی: فرهنگ باید تمدنی را بسازد که این تمدن نیازهای انسان را به صورت جامع و متعادل تامین کند و انسان‌ها در حدی که رشد کرده باشند آن را می‌پذیرند و به آن اقبال دارند.

اگر در ابتدای عملیاتی شدن پزشک خانواده می‌گفتند که پزشک خانواده در کنار مساجد باشد به نظرم موفقیت بیشتری در این زمینه حاصل می‌شد؛ موانع و ضعف هنوز وجود دارد اگر این موضوع پذیرفته شود ما یک گام به سوی آن مسجد مطلوب نزدیک خواهیم شد. منتها مسجد باید منشأ خدمات بیشتری باشد تا سایر افراد آن را بپذیرند.

در این موضوعات زمینه‌های پذیرش بالاست مشروط به اینکه ما نگاهی فرهنگی، به سازه‌های تمدنی داشته باشیم. یکی از این سازه‌های تمدن، مسجد است. در تعریف شهر اسلامی می‌گویند که باید طوری طراحی شود که اگر فردی از بیرون وارد آن شد اولین نمادی که می‌بینید مسجد باشد و در حالی که شهرهای ما این طور نیست.

اگر چنین اتفاقی بخواهد بیافتد تغییرات بسیاری را در طراحی‌ها ما ایجاد خواهد کرد و در حالی که طرح تفصیلی شهر تهران اصلاً چنین ویژگی را ندارد. طرح تفصیلی شهر تهران، مصوب شورای عالی شهرسازی شده است و قرار است تا 15 سال دیگر، تهران توسعه پیدا کند.

اینکه مردم پزشک خانواده را می‌پذیرند اما روحانی خانواده را نمی‌پذیرند یک برداشت و تصور است! به هر حال، این قواعد را خداوند برای ما تعیین کرده است که ما تاکنون این مسئله را تجربه نکرده‌ایم!

فارس: آیا چنین امکانی وجود دارد؟

ناظمی اردکانی: زمانی می‌گوییم اصلاً امکان ندارد و زمانی هم می‌گوییم 50 درصد آن امکان ندارد و یا حدود 20 یا 40 درصد آن امکان‌پذیر است در این طرح، هر محله تهران یک مسجد دارد که محور محله به شمار می‌رود تک‌تک محلات تهران بررسی شده است برخی از محله‌ها اصلاً مسجد ندارد که باید در آنجا مسجد ساخته شود؛ 374 محله در تهران داریم و این موضوع در آن جا شدنی است که در هر محله یک مسجد بنا شود تهران از نظر مسجد فقیرترین شهر کشور است در حالی که ما دغدغه این را داریم تهران موقعیت فرهنگی مناسبی ندارد و البته جرم و جنایت و لابی‌گری در تهران بیشتر است. کم‌ترین مسجد و بالاترین آمار طلاق در تهران، و بالاترین مسجد و کمتر آمار طلاق را در یزد داریم. شاید کسی فکر کند که این دو مقوله ارتباطی با هم ندارند اما بنده صراحتاً می‌گویم این دو موضوع کاملاً با هم مرتبط هستند.

درست کردن مدینه منظمه در حال حاضر امکان‌پذیر نیست، تحول و تغییر تدریجی است اما بالاخره باید از یک نقطه شروع شود

خداوند مسجد را قرار داده تا فرهنگ، دین و معنویت مردم را درست کند مقام معظم رهبری بارها صریحاً گفته‌اند که ما باید نگران دین مردم باشیم بهترین جا برای حفظ دین مردم همین مساجد است امام خمینی (ره) می‌فرمایند: مسجد محلی است که باید امور مردم از آن جا اداره شود؛ محل اداره امور حوزه فرهنگ باید مسجد باشد این مساجد بود که پیروزی بزرگ را برای ما به ارمغان آورد. مساجد، مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشد. درست کردن مدینه منظمه در حال حاضر امکان‌پذیر نیست تحول و تغییر تدریجی است اما باید از یک نقطه شروع شود. برخی از مناطق تهران مسجد ندارند و ما می‌خواهیم بعضی از مشکلات فرهنگی آن را حل کنیم، نمی‌شود! چرا که خداوند یک قاعده‌ای قرار داده که اگر براساس آن عمل نکنیم به نتیجه نخواهیم رسید.

فرهنگ، بخش پنهان گیاه و تمدن بخش بیرونی آن است؛ تمدن و فرهنگ نسبت به هم تأثیر و تأثر دارند. سازه تمدنی اسلامی ما مسجد و سازه تمدنی غرب، کلیسا است اگر به این سازه تمدنی اهمیت دهیم و آن را به جایگاه اصلی خویش برگردانیم دوباره فرهنگ موجود، تقویت خواهد شد و سازه‌های تمدنی جدیدی شکل خواهد گرفت منتها این سازه تمدنی یک بار در سطح محله و یکبار هم در سطح شهر اثر می‌گذارد.

اینکه مردم پزشک خانواده را می‌پذیرند اما روحانی خانواده را نمی‌پذیرند یک برداشت و تصور است. به هر حال، این قواعد را خداوند برای ما تعیین کرده است و بنده بر این باورم که مردم هم می‌پذیرند و ما باید به آنها عمل کنیم در حالی که ما تاکنون این مسئله را تجربه نکرده‌ایم! چند روحانی و چند مسجد داریم که از صبح زود تا شب باز باشد؟! نداریم. یک روحانی باید صبح تا شب در کنار مردم باشد و نیازهای روحی و روانی، فکری، عقیدتی آنها را تأمین کند اگر در یک منزل اختلاف است وظیفه دارد آن را حل کند، احکام دین را با روش‌های مناسب آموزش دهد؛ همچنین این فرد روحانی باید مباحث جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ارتباطات و ... را بداند و همانند پزشک خانواده از مهارت‌های لازم برخوردار باشد.

امروز در مطالعات اجتماعی، مساجد ما بالاترین نرخ سرمایه اجتماعی را دارد و بخشی از این سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد. سرمایه اجتماعی برآیند دو مؤلفه اعتماد و ارتباط است اعتماد مردم ما در برخی از موارد، بسیار بیشتر از مراکز فرهنگی است. ارتباط مردم در

خصوص مساجد در مقایسه با سایر مراکز بالاست. شاید تعداد افرادی که به صورت مرتب و شبانه‌روزی با مساجد در ارتباط هستند کم باشد اما تعداد اعظمی از مردم ما در شب‌های احیا، عاشورا و تاسوعا و ... در طی چند نوبت در مراسم‌های گوناگون در مساجد حضور می‌یابند و این مسائل در آن ارتباط مؤثر است.

آموزه‌های الهی، مؤلفه‌ای اثرگذار در حوزه فرهنگ هستند، هر فرهنگی که بیشتر از این رکن اصیل بهره ببرد غنی‌تر بوده و قابلیت حاکم شدن، جهانی شدن و پذیرش از سوی عموم مردم را دارد

فارس: فارغ از بحث و جنجال‌های سیاسی، شما اولویت را به کدام فرهنگ (فرهنگ ایرانی - اسلامی یا اسلامی-ایرانی) می‌دهید و بهتر است با چه تناسبی این فرهنگ شکل بگیرد؟

ناظمی اردکانی: ابتدا باید اندکی رابطه بین فرهنگ و دین روشن شود بعضاً می‌خواهند رابطه‌ای میان این دو برقرار نکنند از این رو می‌گویند فرهنگ به دین ارتباطی ندارد! با توجه به اینکه در هر جایی مردم فرهنگ‌ها را شکل می‌دهند و با آن زندگی می‌کنند اما نمی‌توانند به این سؤال پاسخ دهند که این فرهنگ به عنوان یک پدیده تاریخی آیا فقط در حاصل کنش و واکنش انسان‌ها شکل گرفته و ادیان الهی جایگاهی در آن نداشته است. بسیار پیچیدگی وجود دارد تا تأثیر دین و وحی را در شکل‌گیری فرهنگ، نفی کنند.

اما اعتقاد ما عکس این موضوع است ما می‌گوییم درست است که فرهنگ به عنوان یک پدیده تاریخی، حاصل کنش و واکنش انسان‌هاست و جوامع در تغییر آن نقش داشته‌اند اما آموزه‌های الهی نیز مؤلفه‌ای کاملاً مؤثر در حوزه فرهنگ بوده است. پیامبران در طول تاریخ نقش بزرگی را در ساخته شدن و پرداخته شدن فرهنگ‌ها ایفا کرده‌اند. بنابراین دین و آموزه‌های الهی، عناصر اصلی همه فرهنگ‌ها هستند بنابراین اگر دین کامل‌تری آمد و فرهنگی را شکل داد، آن فرهنگ غنی‌تر است از این‌رو بعضی از فرهنگ‌ها فقط در یک مقطعی از تاریخ بوده‌اند و اکنون اثری از آنها نیست اما در همان فرهنگ‌ها هم که دقت می‌کنیم می‌بینیم مؤلفه‌ای از آموزه‌های وحیانی در آنها وجود داشته اما چون مورد دخل و تصرف قرار گرفته و همچنین ناقص و وارونه شده و در نهایت آن فرهنگ از بین رفته است.

این مثال استعاره است. در محیط زیست طبیعی انسان، مؤلفه‌ها و عناصر زیادی وجود دارد یکی از آنها اکسیژن است که اگر این عنصر در جایی وجود نداشته باشد موجود زنده قابلیت زیست ندارد نگاه من در فرهنگ به همین صورت است. بنابراین فرهنگی که آموزه‌های الهی در آن نباشد قابلیت زیست ندارد همانند آن اکسیژن. «دین؛ جزو یا رکن اصلی هر فرهنگی به شمار می‌رود از این رو آن فرهنگی که بیشتر از این رکن اصیل برخوردار باشد آن فرهنگ غنی‌تر بوده و قابلیت حاکم شدن، جهانی شدن و قابلیت پذیرش، توسط عموم مردم را دارد چرا که انسان‌ها می‌توانند با آن فرهنگ زندگی کرده و به واسطه آن حیات بالنده‌ای را داشته باشند.

وقتی امروز در فرهنگ خودمان نگاه می‌کنیم درمی‌یابیم که فرهنگ اسلامی، ایرانی و غربی، همه این مؤلفه‌ها در آن وجود دارد ما در فرهنگ اسلامی خود، مؤلفه‌های اصلی را از آموزه‌های الهی و دینی داریم اگر فرهنگ دیگری بیاید به این فرهنگ ضمیمه شود زمانی قابلیت پذیرش دارد که مؤلفه‌های آن حداقل با مؤلفه‌های اصلی فرهنگ اسلامی در تضاد نباشد بنابراین فرهنگ ایرانی ما مؤلفه‌هایی دارد که فرهنگ اسلامی را تقویت می‌کند.

دید ما نسبت به فرهنگ غربی نیز همین طور است اما ممکن است در فرهنگ غربی، مؤلفه سازگار آن کم و مؤلفه‌های ناسازگارش بیشتر باشد از این‌رو باید مراقب بود تا مؤلفه‌های ناسازگار را زدوده و پالایش کنیم. کاری که باید در این خصوص انجام شود همان مهندسی فرهنگی است مقام معظم رهبری می‌فرمایند: اول باید فرهنگ، مهندسی شود. یکبار باید آن را کاملاً تجزیه کرد و سپس مفاهیم و مبانی، ارزش‌ها، نمادها، آداب، رسوم، هنجارها را تجزیه کرده و رابطه‌ای میان آنها برقرار کنیم و ببینیم فلان هنجار براساس کدام باور و اعتقاد دینی و اسلامی است؟ اگر هست بپذیریم و اگر نیست کم‌کم آن را زائل کنیم. این کارها شدنی است در طول 30 سال پیروزی انقلاب، بسیاری از آلاینده‌ها و آلودگی‌های فرهنگی ما زائل شد.

حذف کردن یک فرهنگ غلط و اشتباه، به برنامه‌ریزی نیاز دارد باید آن را آموزش داد و تبلیغ کرد تا کم‌کم نمادها تغییر یافته و یا مؤلفه‌های اشتباه حذف شوند؛ یکی از مسئولیت‌ها و کارکردهای مهندسی فرهنگ همین است

مثلاً لباسی که در حال حاضر ما بر تن داریم کت و شلواری که ما می‌پوشیم از غرب آمده و فرهنگ غرب را نمایندگی می‌کند در طول 30 سال نتوانستیم کاری انجام دهیم حضرت آقا در دیدارهای خود با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی چندین بار به این نکته اشاره کردند از زمان آقای خاتمی تاکنون. ایشان نمی‌گویند که لباس غربی را در آورده و لباس بومی اسلامی بپوشید بلکه ابتدا باید لباسی که جایگزین این لباس شود را طراحی کرده و در درون موزه قرار دهیم تا همگان از آن دیدن کنند. معمولاً ما فکر می‌کنیم که فقط اشیاء تاریخ، گذشته را در داخل موزه نگه می‌داریم چه اشکالی دارد که ما یک موزه درست کنیم که دست ساخت‌های متناسب با فرهنگ را برای آیندگان در آن قرار دهیم و در واقع تمدن‌ها نیز این‌گونه شکل می‌گیرند و مثلاً فرد بداند خانه‌ای که براساس آموزه‌های اسلامی است به چه شکلی است و تغییر این نماد، چه اثراتی را بر روی مبانی می‌گذارد و آنها را نیز تغییر خواهد داد.

یکی از مفروضات ما این است که عدد 13 نحس است باید تحقیق کرد که این موضوع از کجا آمده است؟ آیا صحیح است؟ حذف کردن یک فرهنگ غلط و اشتباه، به برنامه‌ریزی نیاز دارد باید آن را آموزش داد و تبلیغ کرد تا کم‌کم نمادها تغییر یافته و یا مؤلفه‌ها اشتباه حذف شوند و یکی از مسئولیت‌ها و کارکردهای مهندسی فرهنگ همین است.

معتقدیم فرهنگ ما اسلامی است و با سایر فرهنگ‌ها در تعامل است اما ما نسبت به عنصر و مؤلفه اصلی تأکید داریم اگر سایر فرهنگ‌ها با این مؤلفه اصلی سازگاری داشتند در فرهنگ ما پذیرفته می‌شوند.

فارس: نمونه‌ای از ناسازگاری لباس غیربومی را با فرهنگ اسلامی توضیح می‌دهید؟

ناظمی اردکانی: اشکالی ندارد همین کت و شلوار را ارزیابی می‌کنیم؛ اگر فردی آن مواردی را که برای لباس در فرهنگ اسلامی گفته شده را بررسی کند و سپس بگوید این لباس (کت و شلوار) مصداق لباس اسلامی است اشکالی ندارد آن را می‌پذیریم اما اگر یک محصول و یک مصنوعی، فرهنگ دیگری را نمایندگی کند که با فرهنگ ما سازگاری ندارد این نماد را نمی‌توانیم بپذیریم.

این سؤال را به راحتی می‌توان پاسخ داد و علت آن این است که هنوز آن طور که باید و شاید وارد حوزه مهندسی و مدیریت فرهنگ نشده‌ایم.

اگر ما آن اندازه که غرب، تلاش می‌کند کوشش کنیم قطعاً با پشتوانه این میراث گذشته تمدنی، راه صد ساله آنها را در یک شب طی خواهیم کرد

فارس: شما می‌گویید دلیل آن چیست؟

ناظمی اردکانی: دلیل آن این است که مجموعه پژوهشگران و پژوهشکده‌هایی که در حوزه فرهنگ داریم به هیچ وجه نه قابل مقایسه با پژوهشکده‌های سایر حوزه‌هاست و حتی متناسب با حوزه فرهنگ نیست؛ مجموعه پژوهشکده‌هایی که در حوزه فرهنگ داریم حدود 199 پژوهشگاه است که بعضاً فعالیت‌های آنها بسیار محدود است در صورتی که در هر کدام یک از حوزه‌های تجربی، فنی و صنعتی و ... چند صد پژوهشکده وجود دارد و خوشبختانه محصولات علمی و فناوری ما بالاست اما در حوزه فرهنگ، چنین چیزی وجود ندارد. چند پژوهشکده در کشور هست که در حوزه لباس به عنوان یک نماد تحقیق کند و محققان آن اسلام شناس بوده و یا با فرهنگ اسلام آشنایی داشته باشند متأسفانه حتی به تعداد انگشتان دست هم نداریم.

فارس: به نظر شما نداشتن تلقی درست از مقوله فرهنگ دلیل نبود پژوهشکده‌ای در این زمینه است؟

ناظمی اردکانی: بله ما تلقی درستی از مهندسی فرهنگی نداریم و به همین دلیل پژوهشکده‌هایی که کار علمی در این زمینه انجام داده باشند نداریم هر اندازه این تلقی‌ها اصلاح شود این پژوهشکده‌ها شکل خواهند گرفت.

تنها برای عروسک باربی، هشت پژوهشکده وجود دارد هشت پژوهشکده صاحب نظر و خبره در حوزه‌های مختلف جامعه شناسی، روان‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، معماری، طراحی و ... همه حضور دارند و کاری می‌کنند تا این عروسک بتواند سهم مفید بالایی داشته باشد. غرب غیر از مسئله سودمندی اقتصادی، مباحث نفوذ فرهنگی را نیز در نظر می‌گیرند در حالی که ما این کارها را انجام نمی‌دهیم که نتیجه آن این می‌شود که درک و فهم درستی از فرهنگ پیدا نمی‌کنیم و به همین دلیل محصولات و مصنوعات خاص حوزه فرهنگ نیز در این حوزه نفوذ نداشته و سایر محصولات حوزه تمدنی هم نمی‌تواند نفوذ بالایی داشته باشد در حالی که ما میراث گران‌بهای داریم و غرب این میراث را ندارد اما آنها با تلاش خود به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. بنابراین اگر ما تلاشی که غرب می‌کند را داشته

باشیم با پشتوانه این میراث گذشته تمدنی، قطعا راه صد ساله آنها را در یک شب طی خواهیم کرد و باید به این نکته توجه داشت.